[چهل و پنج]

سلام علیکم

پس اگر اجازه دهید سوالاتی مطرح شود شاید برای ادامه بحث مفید باشد. البته اگر مفید نبود و بحث را به بیارهه می برد حتما تذکر دهید
بعد از تلخیص اولی که در پست 31 انجام دادم خلاصه مطلب بعدی که دریافت کردم فکر می کنم در این جمله شما بود که:

> اگر ثبوتا فهمیدیم که میتواند این انعطاف در وجوه مختلف یک پایه، همگی از ناحیه ملک وحی، سر و سامان یابد، و رأس مخروط یک آیه به عنوان یک نقطه بسیط، به صورت تدوین تکوین، منبسط شود، و در انبساط خود، همه وجوه، دفعتا توسط ملک وحی، قرائت شود، و تمانعی در کار نباشد، زمینه درک تعدد قرائت ملک وحی، نسبت به پایههای همموضع، فراهم میشود.

به تعبیر دیگر، دغدغه شما در بحث فوق اثبات اصل امکان تعدد قرائات و اینکه قبول تعدد قرائات لزوما منجر به قول به تحریف نیست بلکه لازمه کامل قرآن در انعکاس همه حقایق هستی است و کلمات قرآن چند منظوره صادر شده است.

اما هنوز من پاسخ دقیق سوال دوم را نگرفتم. بگذارید من سوال دوم را بیشتر باز کنم. اینکه انعطاف وجوه مختلف یک پایه امکان القای قرائات متعدد از جانب ملک وحی را پدید می آورد در دو جا در بحث شما معلوم شد:

در حوزه حروف ِکلمات و ظرفیتهایی که در حروف صامت و ... وجود دارد برای القای چندمنظوره.

در حوزه حروف مقطعه که اینها به نحوی مشتمل بر کل سوره و بلکه به نحو جمعی مشتمل بر کل قرآن هستند.

در محور (1) مطلب برای من واضح شد (ای لااقل گمان می کنم که واضح شده) و براحتی با انضمام بحثهای فوق به ضابطه استعمال یک لفظ در اکثر از یک معنا ظرفیتهای فراوانی در قرآن می یابیم که برای تبیین بسیاری از حقایق به کار آید.
اما در محور (۲) به لحاظ ثمره بحث، (یعنی در مقام استفاده از قرآن) چه فرقی بین موضع شما و کاربر خیرالبریه وجود دارد. یعنی اگرچه به لحاظ نظری فرق است (شما با وجود چنین سیستمی تحریف را ناممکن می دانید؛ اما ایشان قائل به تحریف تا قبل از ظهور امام زمان(ع)) اما به لحاظ ثمره بحث در دوره غیبت فرقی نمی ماند زیرا ما توانایی بسط دادن سوره از حروف مقطعه را نداریم و لذا اگر برخی قرائات قرآن نزد مثلا حضرت علی وجود داشته که وقتی آن قرائت در اختیار ما بود حقایق تفصیلی بیشتری را می فهمیدیم، حالا که آن قرائت در اختیار ما نیست، آن حقایق تفصیلی را نمی فهمیم و خودمان هم که نمی توانیم از حروف مقطعه تفصیل آیات را استخراج کنیم پس ضربه ای که بر اثر تحریف ممکن بود پدید آید در اینجا هم پدید آمده است. (البته عدم تفاوت ثمره در جایی است که قائل به تحریف فقط قائل به تحریف در نقصان باشد نه تحریف در زیاده)

به تعبیری دیگر، به نظر می رسد شما در مقام عمل همان دیدگاه قائلان به تحریف در نقصان را اتخاذ کرده اید با این تفاوت بسیار مهم که تبیینی ارائه کردید که اسم این واقعه را نباید تحریف نامید؛ اما در هر صورت دست ما از بسیاری از معارف تفصیلی وحی کوتاه شده است هرچند که به تعبیری حضرت امیر در روایت 11 کتاب سلیم در پاسخ به طلحه، همین قرآنی که اکنون در دست ماست این اندازه هست که «**ان اخذتم بما فیه نجوتم من النار و دخلتم الجنه فان فیه حجتان و بیان امرنان و حقان و فرض طاعتان**[1]»؛ اما این نیست که همه قرائات وحی را داشته باشد و البته چون قرآن هولوگرامی است این بمنزله تحریف نیست زیرا همین که بعضش باشد کلش را دارد؛ اما کل تفصیلی ای که مورد نیاز ما برای درک همه حقایق است در اختیار ما نیست. به بیان دیگر تهمت تحریف دفع می شود اما اینکه خلاصه تمام وحی تفصیلی به ما نرسیده است سر جای خود باقی می ماند.

آیا این طور است؟ در واقع سوال حقیر این است که بحث هولوگرامی دیدن قرآن غیر از دفع شبهه تحریف، چه مساله دیگری از ما در مراجعه به قرآن و فهم حقایق قرآنی را حل می کند[2]؟

---

[1] کتاب سلیم بن قیس، ج ۲،ص ۶۵۹

[2] پست یکی از کاربران با نام کاربری Hosein-

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2025 16:17:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2025 16:18:27 توسط ... .